



سال بیست و یکم

ثور-جوزا ۱۳۴۲

شماره چهارم و پنجم

عبدالحی حبیبی

زبان دری دو هزار سال قبل

مهم ترین سند قدیم زبان عهد کوشانیان کشف شد
آیا پیدایش ۳۰۰۰ ساله زبان دری سرزمین افغانستان است؟

(۲)

الفبای دری قدیم (تخاری)

تاجاییکه ازین کتیبه ظاهر می شود، الفبای زبان کوشانی یا تخاری دارای اصوات
ذیل بوده که به الفبای شکسته یونانی نوشته شده و امکان دارد، که این زبان برخی
اصوات دیگری را هم داشته، که درین کتیبه موقع استعمال آن نیامده باشد، اشکال
حروف عیناً در ذیل این سطور نوشته و بعد از آن قرار نموده شرح داده میشود:

(۱) A (۲) B (۳) П (۴) Ф (۵) Т (۶) Θ (۷) X (۸) Z

(۹) P (۱۰) Z (۱۱) C (۱۲) T (۱۳) X (۱۴) K (۱۵) Г

(۱۶) Γ (۱۷) T (۱۸) M (۱۹) Z (۲۰) W (۲۱) O

(۲۲) Y (۲۳) E (۲۴) H (۲۵) F (۲۶) ضمه O

کسره ا (۲۸) فاصله O

شرح حروف

(۱) بجای A انگلیسی آمده . که گاهی کار الف میدهد و گاهی صوت (آ) و گاهی فتحه می باشد . مانند Maliz مالیز (مهادرز) AB (آب) BAG (بگ = عظیم)

(۲) مطابق B انگلیسی . مانند : Nobixt (نوبخت = علم انسانی) ب فارسی

(۳) مطابق P انگلیسی . مانند : Pohr (بوهر = یور = پسر) پ فارسی

(۴) مطابق F انگلیسی . مانند : Freistar (فری ستار = پرستار) ف عربی .

(۵) مطابق T انگلیسی . مانند : Stad (ستاد = ایستاد) ت فارسی .

(۶) مطابق TH انگلیسی . مانند : ith (ایث = تهداب = ته) ش عربی = شخ پسته .

(۷) مطابق KH انگلیسی . مانند : Khoade (خودی = خدای) خ فارسی که به (ک) هم تبدیل شده .

(۸) مطابق D انگلیسی . مانند : Kird (کرد بکسره = کرد) این حرف

اگر در اواخر کلمات تنخاری بوده ، را انتقال به فارسی و پشتو حذف شده و یا به

(ه) خفی تبدیل گردیده ، در صورتیکه قبل از آن حرف علت (واویل) بوده باشد .

(۹) مطابق R انگلیسی . مانند : Mandar (مندار = معبد) ر فارسی .

(۱۰) مطابق Z انگلیسی . مانند : liz (لیز = ز) ر فارسی گاهی به ژ تبدیل شده .

(۱۱) مطابق S انگلیسی . مانند : sad (سادی = چاه) در فارسی (س) است ،

که در حین انتقال از تنخاری در فارسی به ز-ج و در پشتو به (ش-ز) تبدیل شده

(۱۲) مطابق SH انگلیسی . مانند : sha (شا = شاه) ش فارسی . این صوت در اوستا

و پهلوی هم بود ، ولی در الفبای یونانی ، خاص نداشت ، این شکل را در تنخاری

برای آن ساخته اند .

(۱۳) مطابق (ش) پشتو . مانند : SH-Khal (شال = بناد = شاد فارسی) این صوت بصورت

شین مشدد در اوستا هم بود ، در سنسکریت و روسی صوتی نزدیک بآن موجود است ،

چون در الفبای یونانی شکل خاص نداشت ، آنرا به اجتماع دو حرف (ش + خ)

وانموده اند، و ظاهرست که این حرف به صوتی بین (ش و خ) اداء میشد که اکنون در قندهار عین همین صوت زنده و موجود است، و معلوم است که دوهزار سال قبل هم صوت جامع (ش و خ) بود. اکنون کاسیان گویند کلمه نال تخاری را شاه خوانند بصوت ش فارسی که در قندهار بنیاد و در ننگرهار خاد شده و تحول این صوت چنین است:

ش - ش - خ

چون در رسم الخط یونانی تخاری برای (ش) شکلی خاص بود، و هم (خ) همواره به X نمایانده شد، پس صوت بینی آنرا به اجتماع این دو حرف وانمودند، که در پیشتو برای آن شکلی خاص (بن) مقرر است.

(۱۴) مطابق K انگلیسی و (ک) فارسی و پیشتو، مانند Kand (که در فارسی = کیند پیشتو)

(۱۵) مطابق G انگلیسی و (گ) فارسی و پیشتو، مانند Bag (بگ = عظیم = بگ پیشتو)

این حرف در کلمات اوصافی و تفضیحی در پیشتو و فارسی به (ک) تبدیل گردیده.

(۱۶) مطابق NG انگلیسی و (انگ) فارسی و پیشتو، مانند Lagg (لنگ) که یک

G اول آواز (ن) میدهد. این صوت در اواخر برخی کلمات کوشانی بود.

(۱۷) مطابق L انگلیسی و (ل) فارسی و پیشتو، مانند Loix (لویک = نام فامیلی)

در برخی کلمات حین انتقال به فارسی و پیشتو به (ل) هم تبدیل شده.

(۱۸) مطابق M انگلیسی و (م) فارسی و پیشتو، مانند Namobarg (ناه و برگ = نامور)

این حرف گاهی ضمیر ملکیت هم بوده در اواخر کلمات.

(۱۹) مطابق N انگلیسی و (ان) فارسی و پیشتو، مانند Anind (انند = بهره ور)

(۲۰) مطابق W انگلیسی، و او مضموم معروف در اوایل کلمات، مانند Wsogd

(وگد = مهیا و آماده و اسفند)

(۲۱) مطابق O انگلیسی، و او حقیف یا ضمه، مانند Froman (فرمان = فرمان)

(۲۲) مطابق H انگلیسی و (ه) فارسی و پیشتو، این شکل خاص او پسیلون که در یونانی

نبود، در تخاری برای صوت (ه) تخصیص داده شد. مانند Pohr (پور = پور)

گمان می‌رود، که این حرف در صورتی که متحرك نباشد، و بعد از و ح ف صایت (واو یل) نیامده باشد، بسیار خفیف ادا می‌شود، چنانچه در ردی بعد از اسلام حذف شد، و فقط (بور) ماند، که در پستو در (قربور) موجود است
 تره = کا کا + بور = پسر (جمعاً کا کا زاده)

(۲۳) مطابق E انگلیسی، یای ثقیل معروف، مانند: Neisan (نیسان = حمل)

(۲۴) مطابق E انگلیسی، یای خفیف مانند Boei (بوئی = باشد)

(۲۵) فتحه A انگلیسی

(۲۶) ضمه O انگلیسی

(۲۷) کسره I انگلیسی

(۲۸) فاصله O بین هر دو کلمه. این فاصله در تمام کتیبه‌های نسخه‌های آن استعمال شده

که سهواً آنرا جزو کلمات شمرده‌اند، و ازینرو در قرائت آن کتیبه تمام نوشته‌های عصر کوفی در خوانش کلمات سهوی عظیم روی داده، مثلاً

BAG-O-LAGGO (بگ لنگ) را بگولنگو خوانده‌اند، ولی این علامت برای فصل

کلمات نوشته می‌شد، و دلایل زیادی داریم، که این علامت فاصله است، نه حرف، و سبب

البنه در کتیبه O برای ضمه هم آمده، ولی آنچه برای فصل کلمات است،

از ضمه و صوت و او خفیف فرق باید کرد، تا ادای کلمات به اصل صحیح برگردد.

درین کتیبه تقریباً (۱۶۰) کلمه استعمال شده، که بین هر دو کلمه آن يك O

فاصل موجود است، و گمان برده می‌شود، که همین شکل O را بطور علامت فصل

آیات قرآنی در خراسان استعمال کرده‌اند، که تا کنون در رسم الخط مصاحف

باقی مانده است. چون در نسخ خطی کوفی قرآن عظیم که طرف غرب و در

ممالک عربی نوشته شده‌اند، در قدیم این علامت را استعمال نکرده‌اند، و فقط

در نسخ خطی شرقی و خراسانی دیده می‌شود، بنابراین توان گفت که این علامت

فاصله را از رسم الخط قدیم دری برای فصل و انفکاک گرفته‌اند.

و چنین علامت فاصله کلمات در کتیبه های فرس قدیم بدو شکل علاحده یکبار
 رفته که زبان شناسان آنرا Word-Dividers گویند (رجوع به اولد پرشن
 تالیف کنت ص ۱۲)

تخاری از نظر فونولوژی

در العبای السنه آریائی اصواتی موج دادند که در زبانهای هندی در شرق مجرای
 اباسین (دریای سند) رواج دارند، مانند (ت-ج - پ-ن) که این اصوات را اما اصوات شرقی
 آریائی گفته مینوایم، و درین مورد پشتو با السنه هندی اشتراک صوتی دارد. اما
 اصوات (پ-ش - خ-ز) که در پشتو موجود اند در فارسی و دری بنظر نمی آیند، و ازین
 جمله آنها (پ-ش) در تخاری دیده می شوند، و حروف (ج-ژ-غ) در کلمات این کتیبه
 استعمال شده اند، در حالیکه این سه صوت هم در پشتو و هم در فارسی و دری زنده اند.
 از سه حرفی که امروز فارسی دارد بار او بای ثقبیل و خفیف عیناً در تخاری وجود
 دارند، و حرف کت چهارم یعنی زور کی پشتو درین کتیبه دیده نمی شود.

سرزمین افغانستان همواره در طول تاریخ محل امتزاج و اختلاط تمدنها
 و فرهنگها در زبانها و افکار و صنایع و جریانات کلتوری شرقی و غربی بوده است، که
 همین کلیه تاریخی را در فونولوژی السنه و لهجات افغانستان نیز می بینیم.

اگر بین السنه و لهجات آریائی شرقی و غربی یک i-so-glass کلانی را فرض
 کنیم، حد فاصل شرقی آن مجرای سند خواهد بود، که بطرف غرب مجرای هلمند
 خط فاصل غربی آنرا تشکیل میدهد در بین این آیزو گلاس یعنی ملتقای السنه،
 زبانها و لهجه های وجود داشته، که از نظر آواز شناسی و فونولوژی
 جامع خاصیت السنه شرقی و غربی اند و درین مورد پشتو از همه جامع تر
 و موزن اصوات و خصایص لسانی طرفین است.

اما تخاری نیز زبان قدیم این آیزو گلاس بزرگ شمرده خواهد شد باین معنی
 در اصوات و خصایص دیگر لسانی به پشتو نزدیک دارد، و با السنه غربی و شمالی
 این آیزو گلاس مانند پهلوی و سغدی و ختنی و اوستا و فرس قدیم نیز بی شباهت نیست.

حالت دستوری

در ضمن تحلیل کلمات این کتیبه این نکته ثابت می شود که برخی از کلمات مختوم به حروف صایته و علت در زبان تخاری تغییر شکل را داده اند که درین خاصیت با پینتو و سنسکریت شبیه است و در فارسی این خصوصیت گرامری کمتر دیده می شود.

در پینتو حروف عامل برآند له-ته- پروغیره موجود اند، که او آخر برخی از کلمات و حتی حروف علت را در اواسط کلمات هم تغییر دهند. مثلاً کور (خانه) در حالت ادخال (له) له کوره می شود، و کهول (دورمان) به ادخال (ته) به کهاله ته تبدیل می شود، در پشاور میگویند سینمی ته لاپ، که کلمه سینما معمول (ته) واقع گشت و الف آخر به (ی) تبدیل شد.

گاهی بدون ادخال عامل خاص، یک کلمه در حالت گرامری تبدیل حرکات میدهد مثلاً سری راغی (به فتحه ی) سری دریل (به کسره ی) آسریه (در حالت منادی) و این همان کیفیت است که در گرامر انگلیسی CASE نامیده می شود.

در این کتیبه نام کانیشکا در کلمه نمبر ۴ کانیشکو و در نمبر ۱۱ کانیشکی است، و بر مسکو کات وی هم (کانیشکی + شا) و کانیشکی کوشان شا + نان + شا) یعنی شهنشاه کانیشکا است، بر یک سکه پسرش اویشکا هم (اویشکی کوشون + شا + نان + شا) نوشته است و ازین برمی آید، که کلمه مختوم بالف کانیشکا در حالت داشته: به کانیشکو و کانیشکی

هکذا در همین کتیبه در نمبر ۲۷ نام نو کو نزو ک رئیس هیئت ترمیم معبد آمده که در حالت فاعلی است ولی همین نام در نمبر ۱۴۳ در حالت موصوفی آمده و نو کو نزدیک است، یعنی او را قبل آخر آن به (ی) تبدیل شده است و بر همین اساس گفته می توانیم که نام ۱۴۰ کوز گا شکی هم در اصل کوز گاشکا بوده و در حالیکه مضاف الیه کلمه پوهر واقع شد، الف آن به (ی) تبدیل گردید.

اما این تغییر حال شاید تنها بر کلمات مختوم به حروف خاص جاری بوده، زیرا مادر همین کتیبه مثلاً کلمه آب- مالیز- ساد را مکرر در حالات مختلف بیک شکر می بینیم، و ازین پدیدار است، که قوانین ابدال احوال دستوری بر تمام کلمات جاری نبوده و موارد خاصی را داشته است، (باقی دارد)